



دلخور و غمگین هستید... چرا؟
 من امروز اینگونه‌ام. دل‌تنگم از روزگار. پس از سال‌های سال کار، دیگر آن ارتباط عاطفی وجود ندارد و در این سن و سال دیر پی بردم که دنیا اینچنین است یعنی حق من و توقعاتم از جامعه. روابط خانوادگی، برادر، خواهر، رفیق و همه کسانی که عمری برایشان سینه می‌زدم جذابیتشان را از دست داده‌اند. من مهر رفاقت و برادری را پیدانمی‌کنم. امروز اگر برای کاری که موجب نجات من می‌شود به برادرم رجوع کنم حتی برای مسائل مالی، به راحتی می‌گویندندارم. این از سهم ۷ برادر و خواهر که البته توقعی هم نداشتم و ندارم ولی لااقل توقع داشتم رفیق به من فکر کند یعنی زمانی که در بستر بیماری بودم کسی نیامد بگوید فالانی من هستم غصه هیچ چیز را نخور. همه رفتند تا نهار خوردند، خوابیدند، فیلم دیدند و یادشان رفت که من هستم. قربونت برم و عزیزم و خوبی... برای من مرده است امروز کمی منزوی هستم از جامعه و زندگی. ارتباطات کم شده و تنها هستم و تصور می‌کنم این تنهایی راه نجات من است. چون اگر کمی قاطی شوم این قاطی شدن معنای خود را از دست داده است پس ترجیح می‌دهم تنها باشم... باورهایم که عمری با آنها زیسته‌ام سخت به هم ریخته است.

عامه مردم برای دیدن فیلم‌های شما به سینما می‌روند. راز این ماجرا در کجاست؟
 هیچ کارگردانی در دنیا نیست که تمام فیلم‌هایش بهترین باشد و آدم‌ها همیشه سعی می‌کنند یک گام به جلو بروند ولی همیشه این اتفاق نمی‌افتد و اگر گاهی فیلمی نسبت به کار قبلی کمی افت داشت نباید با حرفها و یادداشت‌های گوناگون کارگردان ربه شلاق بست. من در سینما و در بخش دراماتیک کار می‌کنم که با زندگی روزمره مردم در ارتباط است و مردم آن را دوست دارند و من هم از مردم خوب میهنم سپاسگزارم که همیشه مشوق من بوده‌اند. وقتی یک صحنه‌رامی گیرم کل حس خودم در آن صحنه است و این حس را منتقل می‌کنم.

شما فکر می‌کنید تیپ و قیافه چقدر در سینما تاثیر دارد؟
 به نظر من تاثیر زیادی دارد و پس از آن استعداد و تلاش و...

بارف تعریف از فیلم‌های قدیمی به همت معاونت سینمایی ارشاد، تکلیف فیلم شهرت چه شد؟
 چندی پیش شنیدم که پنجمین سوار سر نوشت، پروانه نمایش گرفت و تعجب کردم چون ۳۰ سال است این فیلم پروانه نمایش ندارد. خوشحال نشدم چون این فیلم در ۳۰ سال قبل خیلی خوب و عالی بود و موقعیت‌های بسیار خوبی برای اکران داشت که نگذاشتند و حرف و حدیث‌های زیادی زده شد مثلاً می‌گفتند چون ایرج قادری در آن بازی کرده، مجوز نمایش ندارد در حالی که در همان زمان فیلم‌های دارا و برزخی‌ها و تاراج‌رامن کار کردم، پس ربطی به من نداشت. اینها را برای روشن شدن اذهان عمومی می‌گویم. ساخت این فیلم به سفارش دادستان

گپ و گفتی با ایرج قادری

امروز هم می‌توانم چهره جدیدی رو کنم



گفتگو: فریده ذاکری
 عکس: محمد ذبیحیان

اطلاعات هفتگی شما در این شماره با کارگردانی گفت و گو کرده است که یکی از بازیگران دهه چهل بود و بازمانده هنر پیشگان آن روزهاست.
 این پیشکسوت پرده‌های سینمای قدیم ایران که امروز برفی بر موی و ابرویش نشسته است، با این که از دوستان و خانواده ناز نیش آزرده است و خسته، همچنان کار می‌کند و افکار و برداشتهایش را از کوچه و بازار به پرده‌های سینمای ایران انتقال می‌دهد و مردم همان کوچه و بازار را به سینما می‌کشاند تا خود را تماشا کنند.

سینمایی سپاسگزار و امیدوارم آینده‌ای روشن تر و امنیتی پایدار تر داشته باشیم.

با ساخت فیلمی چون برزخیها نشان دادید که در مقوله جنگ هم حرفی برای گفتن دارید. چرا در زمینه دفاع مقدس فیلم نمی‌سازید؟

«من در دفاع مقدس جایی ندارم»، این اعتقاد دست‌اندر کاران است که آدم‌های جبهه و جنگ رفته باید کار جنگ و دفاع مقدس انجام دهند و به این توجه نمی‌کنند که برزخی‌ها که برنده بهترین فیلم ده سال اول انقلاب شد، ساخته من بود... یک فیلم جنگی با بازیگران قدیمی سینما. اگر تکنیک است که من کاملاً به آن آگاه هستم و اگر انصاف باشد باید بگویم در وضعیت فعلی سینمای ایران، من به درد سینمای خورم. من چشم بسته هم می‌توانم کار کنم، به کارم مسلط هستم و می‌دانم سه پایه دور بینم چه اندازه است. البته در مقایسه با سینمای دنیا اصلاً نمی‌توانیم حتی یک فریم از فیلم‌های آنها را بگیریم. یا مثلاً فیلم محمدرسول الله توسط شخصی ساخته شد که مسلمان هم نبود و تاثیر گذارترین فیلم درباره پیامبر ما بود اما من چون ایرج قادری هستم، نباید در مورد دفاع مقدس فیلم بسازم. با تمام احترامی که برای کارگردانانی چون درویش و مجیدی و غیره که کارشان را دیده و لذت برده‌ام، می‌گویم من هم می‌توانستم.

می‌گویند قادری از چوب بازیگر می‌سازد.
 به نظر من چوب، چوب است. بازیگر باید از درونش آن را داشته باشد و کارگردان بتواند درون او را بکاود و آن را بیرون بکشد.

من به این نتیجه رسیده‌ام که باید حرف زدن خود را کنترل کنم و مراقب باشم چه بگویم. بازیگر باید با تماشاچی رابطه برقرار کند اگر تیر می‌خورد تماشاچی هم حس تیر خوردن را پیدا کند و این رابطه پیدا کردن بازیگر با تماشاچی بحث وسیعی است. من همیشه چهره‌های جدیدی به سینما معرفی می‌کردم و موفق هم بودند. من هم موفق بودم ولی امروز چهره جدید را سینما داران نمی‌پذیرند چون از همان



وقت و ستاد مبارزه با مواد مخدر پیشنهاد شده بود که با عشق و علاقه ساخته شود ولی متأسفانه پروانه ساخت نداشت. زمانی که فیلم آماده شد، آقای محمد خاتمی وزیر ارشاد شدند و دادستان سفارش دهنده فیلم هم به پست دیگری منتقل شدند. آقای خاتمی دستور توقیف فیلم را به علت عدم داشتن پروانه ساخت صادر کردند و در آن دوران با افکار عمومی موجود در جامعه، بدون داشتن پروانه ساخت کاری از دست ما بر نمی‌آمد در نتیجه سالیان سال هر وزیر می‌آمد و هر مقامی فیلم را دیدند و به بازیگران فیلم سلام و درود فرستادند. من می‌گویم کار بد، بد است در هر زمانی که باشد. اگر آن زمان اجازه می‌دادند زندگی خیلی از عوامل فیلم از جمله تهیه‌کننده فیلم که فوت کرده، تغییر می‌کرد. البته ناگفته نماند که الان هم جای ستایش و سپاسگزاری بسیاری دارد که پروانه نمایش این فیلم صادر شده و در چند سینما به نمایش درآمده هر چند که گذشت ۳۰ سال باعث کهنگی موضوع و خرابی فیلم شد و فیلم تکه تکه شده و صدمات زیادی به همه ما زد. خوب می‌رسیم به فیلم شهرت با همین مسائل، ولی فیلم‌دارای پروانه ساخت و مورد تایید مقامات است که به روز و نو ساخته شد اما نمی‌توانیم به چه علت و چه عنوانی پروانه نمایش ندادند. فیلمی که برایش خرج و تلاش کردیم، در زمان خودش توقیف شد و البته الان اجازه نمایش داده‌اند که از مسوولان جدید ارشاد و معاونت